

غصه شیره



«وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ»

**فاطمیه**  
**خطبه**

<ul style="list-style-type: none"> <li>❖ قریه ای در منطقه حجاز</li> <li>❖ نزدیک به ۱۳۰ کیلومتر تا مدینه فاصله داشت</li> <li>❖ فدک به دلیل موقعیت استراتژیک خود نقطه اتکاء یهودیان حجاز به شمار می رفت</li> <li>❖ پس از پیروزی سپاه اسلام، در «خبیره» و «وادی القری» و «تیماء»، سران فدک صلح و را بر جنگ ترجیح داده و تعهد کردند هر سال نیمی از محصولات آن را در اختیار پیامبر قرار دهند</li> <li>❖ سرزمینی آباد و به لحاظ داشتن آب کافی، از نخلستان های فراوان و محصول پرخوردار بوده است</li> </ul>	<p>شیخ طبریسی اینگونه نقل کرده است: وقتی این آیه نازل شد، رسول خدا(ص) فدک را به حضرت فاطمه(س) بخشید.</p> <p>شیخ ذبیح الله محلاتی نیز ذیل آیه می نویسد: چون جبرئیل این خبر را بیآورد که حق خویشان را بداد، رسول خدا(ص) فرمود: این خویشان کفایت؟ جبرئیل عرض کرد: دخترت فاطمه زهراست. باغهای فدک را به فاطمه تفویض بنما و حق خود را به او واگذار، چون خاوند متعال حق خویش را نیز به فاطمه واگذار فرموده.</p> <p>رسول خدا(ص) فاطمه را طلبید و آیه مذکور را بر او قرائت فرمود و اموالی که از فدک بهره رسول خدا(ص) شده بود، همه را به فاطمه(س) تسلیم داد.</p> <p>آن مغذره عرض کرد: یا رسول الله آنچه به فرمان خدا بهره من شده است، همه را به شما واگذار کردم.</p> <p>رسول خدا(ص) فرمود: ای نور دیده فدک مخصوص توست، آن را برای خود و فرزندان خود نگاه دار و دانسته باش که بعد از من رسالت برده شود، من دعای تو را بخوانم و بگویم: اللهم انزل علیها من السماء ثوباً من الجنة و اجعل فی قلبها من النور ما لا یقرب منه شیطان الا بالاجازة.</p>
---	---

- قریه ای در منطقه حجاز
- نزدیک به ۱۳۰ کیلومتر تا مدینه فاصله داشت
- فدک به دلیل موقعیت استراتژیک خود نقطه اتکاء یهودیان حجاز به شمار می‌رفت
- پس از پیروزی سپاه اسلام، در «خبیب» و «وادی القری» و «تیماء»، سران فدک صلح و آبر جنگ ترجیح داده و تعهد کردند هر سال نیمی از محصولات آن را در اختیار پیامبر قرار دهند.
- سرزمینی آباد و به لحاظ داشتن آب کافی، از نخلستان‌های فراوان و محصول پرخوردار بوده است

اشاره به نبوت و مقام قدسی  
حضرت خاتم الانبیاء (ص)

مخواهی می‌دهم که پدرم محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بنده و رسول خداست و خداوند او را برگزید قبل از اینکه به او مأموریت دهد و او را نام نهاد قبل از آنکه او را در ظاهر دیدم. آری، او را انتخاب کرد قبل از آنکه سامش کند.

گواهی می‌دهم که معبودی جز  
الله نیست، خدایی یگانه و بی  
شریک، و توحید کلماتی است  
که نتیجه‌اش اخلاص و در قلبها  
ریشه و در فطرت انسان نهاده  
شده و هر کس به آن اندیشید  
آزاد اعلالش مطابق دانست.

کشف موضوع پشت سر انداختن قرآن  
(به عنوان فصل الخطاب) توسط حاکمان

حضرت در پاسخ به اظهارات لوبیکه که گفت «از پیاسیر شنیدم که فرمودند: گروه پیاسیران دنیایا در هم و خاله و مزروع به ارت می‌گذازم، و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارت نمی‌دهیم» فرمودند:

ای پسر ای قحطه! ایام که کتاب خداست که تو از بدعت ارت بگیری و از ارت بدم محروم باشی، هر تازه و زشتی آوردی، یا اگر کافه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می‌اندازی، یا اقرار نمی‌گویی: «و سلیمان از دایه ارت دیگر» و آنجا که دلسن یحیی بن زکریا با تو می‌گند که می‌فرماید «برورد دایه از سوی خودت جانشینی به من بخش که از من و خلدان یعقوب بزرگوار» و آنجا که می‌فرماید «بعضی از خوشان به بعضی دیگر در کتاب خدامقدم هستند»

**ذکر رشادت‌های امیر المومنین و  
اثبات شایستگی‌اش بر حاکمان وقت**

هنگام که کربلا، سر برآورد یا ازدهانی از مشرکین دهان  
کرد، پیامبر برادرش را در کلمه آن گفتند، و او تا زمانی که  
انسان را به زمین نمی‌گرفت و آتش آنها را به آب شمشیرش  
میوش نمی‌کرد، نمی‌گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا،  
شیده در امر او، نزدیکی به پیامبر خدا، سروری از اولاد الهی،  
نه به کمر بسته، نصیحتگر، تاملگر، و کوشش‌کننده بود، و  
راه خدا از ملامت ملامت‌کننده نمی‌هراسید. و این در  
گمانه‌ای بود که شما در آسایش زندگی می‌کردید، در مهمل  
متنم بودید، و در انتظار پی می‌بردید تا ناراحتی‌ها را ما  
بر گیرد، و گوش به زنگ اخبار بودیم، و هنگام کارزار غفیکند  
می‌کردید، و به هنگام نبرد فرار می‌نمودید.

هو هنگام كه شيطان سر برآورد يا ازدهاني او مشركين دهان بازكرد، **پيامبر پارسايش را در كام آفتاب،** و او تا زماني كه آريانان را به زمين نمي كوفت و آفتاب آنها را به آب مشربش خاموش نمي كرد، در ندي گشت، فرشته خدا در تلاش در سر راه خدا، كوشيده در امر او، نديكي به پيامبر خدا، سروري از اولياء الهي، دامن به كمر بسته، نصيحت گر، تلاشگر، و كوشش كننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامت كننده نمي هراسيد. و اين در هنگامه اي بود كه شما در آسايش زندگي مي كرديد. در ميهدي امن منتقم بوديد، و در انتظار بسو مي برديد تا ناراحت هاها را در بر گيرد، و كوش و رنگ اخبار بديري، و هنگام كارزار عقيبتو مي كرديد، و به هنگام نبرد قرار مي نموديد.